بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر
نام آشنای علم و ادب و فرهنگ
۱۳۲۸

ایران در اوایل عهد ایلخانان

(رنسانس ایرانی)

جورج لین
ترجمهٔ سید ابوالفضل رضوی

سرشناسه: لین، جورج، ۱۹۵۲ - م.، Lane, George
عنوان و نام پدیدآور: ایران در اوایل عهد ایلخانان/ نوشتهٔ جورج لین.؛ ترجمهٔ ابوالفضل رضوی.
مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۳۰۷-۶
موضوع: ایران - تاریخ - ایلخانان، ۶۵۱ - ۷۵۶ق.
موضوع: ایران - تمدن
یادداشت: چاپ سوم، ۱۴۰۵.
رده‌بندی کنگره: DSR۹۸۹ ۱۳۸۹ ۹الف ۹ل
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۶۳
شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۸۳۶۳۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

نام کتاب: ایران در اوایل عهد ایلخانان (رنسانس ایرانی)
نویسنده: جورج لین
مترجم: سید ابوالفضل رضوی (دانشیار دانشگاه خوارزمی)
مدیریت هنری: آژانس خانه ایده | محمدحسین مؤیدی
نوبت چاپ: سوم | ۱۴۰۵
شمارگان: ۳۰۰ نسخه
شمارگان گردآمده تا پایان چاپ دوم، ۲۵۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: کوثر
دفتر مرکزی: تهران | خیابان جمهوری اسلامی | تقاطع خیابان سعدی | پلاک ۲
شماره تماس: ۰۲۱-۳۳۹۰۰۷۵۱-۲
کدپستی: ۱۱۴۳۸۱۷۸۱۸
نشانی اینترنتی: amirkabirpub.ir
@amirkabirpubco

فهرست

مقدمهٔ مترجم ۷
مقدمهٔ مؤلف ۱۹
منابع ۲۳
عقوبت آسمانی یا مشیّت پنهان الهی ۴۵
سقوط بغداد و پیامدهای آن ۶۱
مرزهای ناآرام ۷۳
آباقا و غرب ۷۸
برکه خان و شمال ۱۰۲
براق‌خان و مرزهای شرقی ۱۳۳
ایالات ۱۵۷
کرمان ۱۶۶
شیراز ۱۹۲
هرات ۲۳۱
خاندان جوینی ۲۶۶
خواجه نصیرالدین طوسی ۳۱۴
شعرا، صوفیان و قلندران ۳۳۰
بازگشت پادشاه ۳۷۰
نقشه‌ها ۳۸۰

واژه‌نامه ۳۸۴
یادداشت‌ها ۳۸۸
کتابنامه ۴۳۶
نمایه ۴۶۴

مقدمهٔ مترجم

بدون تردید، عصر حاکمیت مغول‌ها یکی از مهم‌ترین اعصار در تاریخ آسیا بلکه سراسر جهان بوده است. مغول‌ها در دو وجه سلبی و ایجابی حوادثی را موجب شدند که مستقیم یا غیرمستقیم در سیر تحولات تاریخ جهان تأثیرگذار بود. عملکرد مغول‌ها در هنگام هجوم به‌قدری شدید و غیرمنتظره بود که اذهان عمومی جهانیان را به‌خود معطوف کرد و تأثیری برجای‌ماندنی را در تاریخ و فرهنگ ملل مغلوب برجای گذاشت. خشونت و شدت عمل مغول‌ها در تخریب شهرها و کشتار مردم، ساختار اقتصادی و اجتماعی مناطق مورد هجوم را دچار گسست کرد و نابسامانی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی چشمگیری را به‌دنبال آورد. چنان‌که جوینی در مورد ایران آورده است: تهاجم مغول، جز کندن و سوختن و کشتن و بردن و رفتن، پیامد دیگری نداشته است.[1] عکس‌العمل جهانیان در برابر هجوم مغول یکسان نبود و جهت‌گیری آن‌ها سرشار از بیم و امید بود. بلاد شرقی قلمرو اسلامی که از حملهٔ مغول بیشترین آسیب را دید، وضع موجود را پذیرفت و نابسامانی‌های پس از آن را از سر گذراند. دستگاه خلافت عباسی که در پرتو عملکرد مغول، نابودی سلطان خوارزم، حریف مسلمان خویش را محقق می‌دید، فارغ از عواقب بعدی، از آنچه که در بلاد شرقی در حال وقوع بود چشم‌پوشی

---

۱. «آمدند و کندند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند.» (علاءالدین عطاملک جوینی، *تاریخ جهانگشا*، به اهتمام سید شاهرخ موسویان، ج۱، تهران، دستان، ۱۳۸۵، ص۱۹۱).

کرد. مسلمانان بلاد غربی آسیا، سرگرم مقابله با صلیبیون و درگیری‌های داخلی خویش، انگیزه‌ای برای نزدیکی با مهاجمین مغولی نداشتند و عاقبت هم با هجوم آن‌ها سرنگون شدند. مسیحیان نیز بسته به موقعیت خویش و البته نوع برخورد مغول‌ها با ایشان جهت‌گیری‌های متفاوتی داشتند. گرجی‌ها که مورد حملهٔ مغول قرار گرفته و شدت عمل آن‌ها را به جان خریدند، در مقام اجبار از ایشان تبعیت کردند، اما ارامنه سعی در استفادهٔ بهینه از فرصت موجود علیه مسلمانان کردند و مناسبات دوستانه با مغول‌ها را پی‌افکندند. مسیحیت صلیبی با خوف و رجا، به ارزیابی شرایط پرداخت؛ و در همین جهت با سران مغولی در ایران، دشت قپچاق و دربار مرکزی مغول به مکاتبه پرداخت. دستگاه پاپ به‌عنوان رهبر معنوی اروپا و حامی اصلی جنگ‌های صلیبی، شاید به امید به واقعیت پیوستن افسانه «ملک‌یوحنا» (شاه ژان کشیش) ــ که در تصور اروپاییان آن زمان سلطنت مسیحی قدرتمندی را در شرق ایجاد کرده بود و بعضی از محققین وی را با «آونگ خان» کرائیت یکسان پنداشته‌اند ــ و شاید هم با رویکردی واقع‌گرایانه، در جهت مهار رفتار مغول و جلوگیری از حملهٔ بیشتر آن‌ها به اروپا، ارتباط مستقیم با دربار قاآنی را در پیش گرفت تا از نزدیک با این مهاجمان مخوف آشنا شود.[۱] دستگاه کلیسا از اندک زمانی پس از نخستین هجوم مغول‌ها به اروپای شرقی با اعزام نمایندگانی به دربار قاآن‌های مغولی سعی در نزدیکی به مغول‌ها در جهت شناخت بیشتر آن‌ها کرد تا با دعوت ایشان به مسیحیت و طرح رابطهٔ دوستی، مانع از هجوم مجدد مغول‌ها به اروپا شود. شاید هم اتحاد با مغول‌ها را در راستای تقویت مواضع حکومت‌های صلیبی شام در برابر مسلمانان در دستور کار داشت و از این حیث سیاستی همسو با مسیحیت شرقی در پیش گرفته بود. به هر ترتیب، مغول‌ها در این مرحله با آمریت و از موضع قدرت با فرستادگان پاپ برخورد کردند و تابعیت محض دنیای مسیحیت را خواستار شدند.[۲] موضع‌گیری‌های این‌چنینی جهانیان در طی چهار دهه پس از هجوم مغول به جهان اسلام(۱۲۱۸ ــ ۱۲۵۶م /۶۱۶ ــ ۶۵۴هـق)

---

۱. دوراکه ویلتس، *سفیران پاپ به دربار خوانین مغول*، ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۳، صص ۳۵-۲۰.

۲. همان، صص ۸۱-۷۹.

در حالی اتفاق می‌افتاد که جامعهٔ ایرانی، که بیشترین آسیب را از هجوم مغول و نابسامانی‌های پس از آن متحمل شده بود، می‌رفت تا با امید بستن به اعزام هولاکو آغاز دورانی جدید و البته متفاوت‌تر از قبل را تجربه کند.

بی شک ایران از جمله سرزمین‌هایی بود که در نتیجهٔ حملهٔ مغول آسیب فراوانی دید و بخش مهمی از آبادترین نواحی آن دستخوش قتل و غارت و تخریب مغول‌ها قرار گرفت. هجوم مغول به ایران قبل از هر چیز بیانگر تقابل دوگونه متفاوت ساختار حیات جمعی بود. ساختار حیات ایلی، با گرایش گریز از مرکز در سیاست و رویکرد غارتی در اقتصاد، با ساختار مدنی موجود در ایران تقابل داشت و لذا طبیعی بود که تبعات جبران‌ناپذیری را بر جای گذارد. نامسلمانی قوم غالب نیز در این جهت بی‌تأثیر نبود و با تمام مدارای مغول‌ها در امور اعتقادی از نگاه مردم ایران بیگانه و در ظن برخی نمود خشم الهی تلقی می‌شدند. چهار دهه‌ای که به‌دنبال آغازین سال ایلغار مغول به ایران (۶۱۶هـ.ق.) سپری شد نیز، با وجود فراهم کردن زمینه‌های نزدیکی مردم و مهاجمین، جز خشونت و تلاش برای زیاده‌ستانی از سوی مغول‌ها و انزجار و انفعال از جانب ایرانیان، پیامد چندان مثبتی در خود نداشت. شدت این نابسامانی‌ها تا به‌حدی بود که می‌توان معرفی شدن مغول‌ها به‌عنوان نمود خشم الهی و تجلی مشیت پنهان خداوندی را به همین وضعیت نسبت داد. از این حیث به مصداق «الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم»، جامعهٔ ایرانی در دهه‌های سوم و چهارم قرن هفتم هجری به نوعی بن‌بست سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دچار شده بود که تنها با تشکیل حکومت ایلخانی و به‌کارگیری گستردهٔ دولتمردان مسلمان زمینه‌های خروج از آن را به دست آورد.

ورود هولاکو به ایران نیز قاهرانه و در برخی مناطق با خشونت زیاد همراه بود. با این حال، در راستای تأمین منافع به گونه‌ای متفاوت‌تر از اسلاف خویش در راستای برقراری نظم و امنیت و یکپارچگی قلمرو آرام و محتاط‌تر عمل می‌نمود. هولاکو برای حکومت به ایران آمده بود و خیل عظیم کارگزاران و حکام ایرانی که به جبر یا اختیار دعوت او را در فراسوی مرزهای ایران لبیک گفته بودند، او را همراهی می‌کردند. به علاوه، برخلاف مغول‌های دوران تهاجم که به‌عنوان میهمانان ناخوانده و خشن با مردم ایران برخورد می‌کردند، ورود هولاکو آرام‌تر بود و، خودآگاه یا ناخودآگاه، پایانی بر نابسامانی‌ها و زیاده‌ستانی‌های موجود

قلمداد می‌شد.[۱] سلوک سیاسی هولاکو همراه با تلاش برای از بین بردن پایگاه‌های اسماعیلیه ـ پایگاه‌هایی که در انظار عمومی نمود خشم و نفرت به شمار می‌رفت ـ پذیرفتن دولتمردان مسلمان در کنار خویش، دستور به مراعات حال برخی از رعایا در کنار جیحون، و احیا و آبادانی برخی از مناطق ویرانی، نمودهای نویدبخشی از شروع عصری جدید بود.[۲]

با آمدن هولاکو و تشکیل حکومتی به سرکردگی یکی از خان‌زادگان مغولی، ابهامی که در خصوص جایگاه ایران در تقسیم‌بندی اولوس‌های چنگیزی وجود داشت از بین می‌رفت و ادعاهای چندسویه بر سر حاکمیت در ایران فیصله می‌یافت. این واقعیتی بود که خواسته یا ناخواسته مغول‌های همراه با هولاکو را به سمت رعایای ایرانی می‌کشانید و همراهی آن‌ها را طلب می‌کرد. به‌علاوه، تلاش هولاکو برای از بین بردن دستگاه خلافت و تشکیل حکومتی که با مرزهای سابق ایران برابری می‌کرد، زمینه را برای احیای هویت سرزمینی ایران هموار می‌نمود و موجبات رشد جریان‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی را فراهم می‌کرد. تا این زمان قرائت رسمی دستگاه خلافت از اندیشه و اعتقاد دینی مانع از فعالیت طبیعی فرق و نحله‌های مختلف فکری شده بود و لذا نابودی خلافت در کنه خویش رونق فکری و اعتقادی را در خود داشت. البته نباید از خاطر دور داشت که هولاکو برای تشکیل حکومت آمده بود و تصرف مناطق حدفاصل جیحون تا اقصا نقاط مصر را در دستور کار داشت. هرچند که در نتیجهٔ شکست در برابر مملوکان نتوانست تمام نقشهٔ خود را عملی کند؛ اما قبل از آن فتح عراق و نابودی دستگاه خلافت برایش مهم بود و دستور قاآن به هولاکو در این خصوص صراحت داشت. از این جهت نابودی دستگاه خلافت بخشی از مأموریت از پیش طراحی شدهٔ هولاکو بود و آن‌چنان‌که برخی از منابع تاریخی گزارش کرده‌اند و مؤلف کتاب حاضر نیز بعضاً به آن‌ها استناد کرده است، از بین رفتن خلافت عباسی در نتیجهٔ تحریک ایرانی‌ها و شیعیان نبوده است. اینکه مؤلف کتاب، نوع سلوک مردم حلّه و برخی از علمای شیعی این شهر در متابعت از مغول را پررنگ می‌کند، به معنای

---

1. George- Lane, *Early Mongol Rule in Thirteenth- Century Iran*, p.ix.

۲. *تاریخ جهانگشا*، ج۳، ص۶۹۳، صص۹۶-۶۹۵.